

# انگاره‌های اعتدالی و اجتهادی در موقعیت زنان



محمد پارسی \*

متفکران و نخبگان جهان اسلام در درازنای تاریخ به ویژه در سده گذشته، به شکل گسترده‌ای به بحث «موقعیت زنان» از جنبه‌های گوناگون پرداخته‌اند، به گونه‌ای که در دسته‌بندی اولیه از مطالعات اسلامی، به مسائل زنان به تفصیل به دو رویکرد کلی اصول‌گرایی و دگراندیشی متمرکز شده‌اند. مباحث رویکردی اصول‌گرایی، متأثر از افکار اندیشمندان اسلامی نوگرا بوده و به دو دیدگاه نوسلفی و اجتهادی تقسیم می‌شود. گفتنی است که نوسلفی‌ها، همچون سیدقطب و ... با ادعای تمسک به کتاب و میراث سلف، در صدد حل مسائل زنان برآمدند، که نیاز به یک نوشتار مجزا دارد. اما آنچه ما را واداشت که این مقاله را سامان دهیم، نگاه اجتهادگرایان اعتدالی نظیر شهید مرتضی مطهری و سید محمد حسین فضل‌الله می‌باشد، دو متفکر اسلامی که افزون بر اهمیت دادن به این نوع مباحث، به حجیت عقل نیز اعتبار قائل شده‌اند، که با نگاه اجمالی به آن‌ها می‌پردازیم:

## ● اول: مرتضی مطهری

نگرش مطهری به مسائل زنان، دیدگاه اعتدالی است که نه بر مبنای تجددگرایی محض و نه مبتنی بر نگرش سنتی محض است. وی علاوه بر نقد وضعیت زن در عصر حاضر به نقد وضعیت زن در جهان گذشته نیز می‌پردازد؛ زیرا معتقد است، زن در جهان گذشته به دلیل غفلت از انسانیتش مورد اجحاف قرار گرفته است. این سخن نقد عمومی مطهری به دیدگاه سنتی است. بر این اساس، مطهری مسئله زن را در عصر کنونی نه رهایی زن در معنایی لیبرالی، بلکه در خانواده می‌داند و نقطه عطف بحث خود از جنبش زنان را در کشورهای اسلامی، حقوق طبیعی خانواده معرفی می‌کند. از این رو، مبنای تمامی تعالیم جنسی و جنسیتی وی از قبیل حجاب، میراث، خواستگاری، ازدواج

و... بر اساس این حقوق تفسیر می‌شود. اما درک این حقوق خود مبتنی بر فهم مفهوم «طبیعت» یا «فطرت» است.

مطهری مقدمه‌ای که به کتاب نظام حقوق زن در اسلام در ۱۳۵۳ شمسی، نگاشت، جهت‌گیری خویش را درباره مسائل زنان به خوبی نشان داد. وی در آن جا اساسی‌ترین مسئله زن را در جامعه معاصر، نظام حقوق خانواده معرفی

کرده و پس از تأکید بر توجه به اقتضائات جهان معاصر، انحراف جنبش‌های فمینیستی معاصر را نشان می‌دهد.

او هم‌چنین در جمع‌بندی تحولات سه سده اخیر، محور اصلی همه نهضت‌های اجتماعی غرب را مسئله آزادی و تساوی می‌داند. این مسئله با توجه به وضعیت مرارت‌بار تاریخ حقوق زن در اروپا تشدید می‌شود. بدین ترتیب پیشگامان نهضت اجتماعی اروپا، آزادی زن و تساوی حقوق وی را با مردان، مکمل و متمم حقوق بشر دانستند؛ در حالی که

در این میان آنچه به فراموشی سپرده شد، مسئله اساسی نظام حقوق خانواده بود. شعار تساوی و آزادی زن به عنوان انسان، بر این حقیقت پرده افکند که زن به جهت زنانگی خود از کسری مشخصات مخصوص به خود برخوردار است که با ویژگی‌های مرد تفاوت می‌کند. به عقیده مطهری، این راز انحراف مسئله زن در غرب و دلیل انحراف جنبش‌های فمینیستی است؛ لذا توجه به این تفاوت‌ها که برخاسته از طبیعت متفاوت هریک از دو جنس مذکر و مؤنث است، تصحیح‌کننده مسئله زن در جهان اسلام و غرب می‌باشد.<sup>۱</sup> بخش نخست تفسیر مطهری از نهضت فمینیسم، آن جا که توجه به مسئله آزادی و خواست تساوی با مرد

پیشگامان نهضت اجتماعی اروپا، آزادی زن و تساوی حقوق وی را با مردان، مکمل و متمم حقوق بشر دانستند؛ در حالی که در این میان آنچه به فراموشی سپرده شد، مسئله اساسی نظام حقوق خانواده بود. شعار تساوی و آزادی زن به عنوان انسان، بر این حقیقت پرده افکند که زن به جهت زنانگی خود از کسری مشخصات مخصوص به خود برخوردار است که با ویژگی‌های مرد تفاوت می‌کند.

را موجب غفلت از حقیقت تفاوت می‌داند، حاوی نقد فمینیسم لیبرال، فمینیسم سوسیال و فمینیسم مارکسیستی است؛ درحالی‌که بخش اخیر نوشتار وی، آن‌جا که به تحلیل انحراف نهضت‌های فمینیستی غربی به دلیل غفلت از بعد انسانی زن و بزرگ‌نمایی بعد زنانگی زن می‌پردازد، حاوی دیدگاه انتقادی وی بر فمینیسم رادیکال می‌باشد. این عبارت که «زن در عصر حاضر به دلیل چشم‌پوشی از ویژگی‌های زنانه‌اش، تحت ستم است»، در واقع نقد عمومی مطهری به فمینیسم رادیکال است که ویژگی زنانگی را عامل تعیین‌کننده جنبش زنان می‌داند.<sup>۲</sup>

### ● اصل اجتهاد و روش مطالعات زنان

مطهری این دیدگاه را که هر تغییری در وضعیت اجتماعی و از جمله در وضعیت زنان پیدا شود، به ویژه اگر از مغرب‌زمین سرچشمه گرفته باشد، باید به حساب پیشرفت و تکامل گذارد، نمی‌پذیرد و آن را از گم‌راه‌کننده‌ترین افکاری می‌داند که دامن‌گیر مردم امروز شده است؛ زیرا به عقیده او زمان همان‌گونه که پیش‌روی و تکامل دارد، به انحراف و فساد نیز کشیده می‌شود. نظر مطهری نسبت به تغییر، نگاه پیش‌رفت تک‌خطی نیست؛ از این‌رو می‌گوید: تجددگرایان افراطی، گویا زمان را «معصوم» گمان

می‌کنند و تغییرات سه سده اخیر در وضعیت زن را به دلیل جدیدبودن آن مطلوب می‌پندارند و برای آن‌ها خوب و بد مفهومی جز نو و کهنه ندارد. این سخن به معنای هواداری از کهنه‌گرایی نیست؛ چراکه کهنه‌گرایی نیز خود در حقیقت از عقیده به نظریه تکامل خطی برمی‌خیزد و به معنای عصمت گذشته است.<sup>۳</sup> در واقع جهالت و جمود نیز جامعه را به فساد می‌کشاند «جاهل و جامد هر دو فرض» می‌گیرند. وضعی که زنان در گذشته داشتند، جزء شعایر و مسایل دینی و برخاسته از آن است و تنها تفاوتی که با هم دارند، این است که جامد نتیجه می‌گیرد که این شعایر را باید نگه‌داری کرد و جاهل به این نتیجه می‌رسد که این ملازم با کهنه‌پرستی و علاقه به سکون است.<sup>۴</sup>

کنش و واکنش دو گروه بالا، وضعیت زنان را مشکل‌تر می‌کند؛ چراکه جمود جامدان موجب میدان دادن به تاخت‌وتاز جاهلان می‌شود و جهالت جاهلان، جامدان را در عقایدشان متصلب‌تر می‌کند. پس در این صورت در برابر مسئله زن در دنیای معاصر چه باید کرد؟

پاسخ مطهری بسیار آشکار است؛ او معتقد است اسلام با قوانین ثابت و متغیری که دارد، با توسعه، تمدن و فرهنگ سازگار است و

در واقع جهالت و جمود نیز جامعه را به فساد می‌کشاند «جاهل و جامد هر دو فرض» می‌گیرند. وضعی که زنان در گذشته داشتند، جزء شعایر و مسایل دینی و برخاسته از آن است و تنها تفاوتی که با هم دارند، این است که جامد نتیجه می‌گیرد که این شعایر را باید نگه‌داری کرد و جاهل به این نتیجه می‌رسد که این ملازم با کهنه‌پرستی و علاقه به سکون است.

آخرین ویژگی احکام اسلام، مربوط به قوانینی است که «حق وتو» دارند. این قوانین در وضعیت‌های ضروری و حرجی زنان، احکام ثابت زنان را تعلیق می‌کنند.<sup>۵</sup>

افزون بر ویژگی‌های مربوط به احکام، دو امر دیگر نیز در مطالعات اسلامی زنان تأثیر اساسی دارد: نخست اختیارات حاکم اسلامی در حل مسائل دیگری معضلات زن معاصر از نظر مطهری اجتهاد اصل اجتهاد<sup>۶</sup> به اجتهاد ممنوع و اجتهاد مشروع قابل تقسیم

است. اجتهاد ممنوع همان قوانین و مقرراتی است که براساس احکام اسلام به یکی از شیوه‌های یادشده وضع نشده باشد. اما اجتهاد مشروع، از طریق کاربرد تدبیر و تعقل در فهم ادله شرعی و با اتکای به یک دسته شایستگی‌های علمی به دست می‌آید.<sup>۷</sup> بنابراین مسائل زنان در نزد مطهری ضمن رکون به اقتضائات دنیای معاصر، می‌بایست به قوانین اسلام به یکی از صورت‌های ممکن منقاد باشد.

#### ● طبیعت، فطرت و حقوق طبیعی

به عقیده مطهری اسلام برای انسان، نوعی شخصیت ذاتی و قابل احترام قائل است و متناسب با آن در متن آفرینش یک سلسله حقوق و آزادی‌ها به وی اعطا کرده است.

اسلام به کارشناسان اسلامی اجازه داده است که با سنجش اهمیت مصلحت‌های گوناگونی که در خلاف جهت يك ديگر پیرامون زندگی زنان پدید می‌آیند و با توجه به راهنمایی‌های خود اسلام درباره این سلسله مراتب مصالح، آن مصلحت را که مهم‌تر است، انتخاب کنند و در نهایت آخرین ویژگی احکام اسلام، مربوط به قوانینی است که «حق وتو» دارند. این قوانین در وضعیت‌های ضروری و حرجی زنان، احکام ثابت زنان را تعلیق می‌کنند.

می‌تواند با وضعیت متغیر زن معاصر انطباق یابد. اسلام از چند روش می‌تواند به این مهم دست یابد: نخست، شاخص‌هایی را برای سیر بشر ترسیم می‌کند که آن‌ها از سویی مسیر و مقصد وضعیت مطلوب زن را ارایه می‌کند و از سوی دیگر، انحراف‌ها و تباهی‌های وضعیت موجود را نشان می‌دهد. دومین ویژگی، مربوط به دسته‌بندی قوانین به دو دسته ثابت و متغیر است. این احکام بر حسب دو گونه نیاز آدمی وضع شده است.

اسلام علاوه بر این که دارای یک سری اصول ثابت است، درباره نیازهای دگرگونی‌پذیر انسان، حالت متغیری اتخاذ کرده و در نتیجه این ارتباط، آن اصول ثابت در هر وضعی از اوضاع کنونی قانون فرعی خاصی را به وجود می‌آورد. سومین خصوصیتی که به اسلام امکان انطباق تعالیمش با دنیای معاصر را می‌دهد، رعایت درجه مصالح موجود در دستورهای آن است. اسلام به کارشناسان اسلامی اجازه داده است که با سنجش اهمیت مصلحت‌های گوناگونی که در خلاف جهت يك ديگر پیرامون زندگی زنان پدید می‌آیند و با توجه به راهنمایی‌های خود اسلام درباره این سلسله مراتب مصالح، آن مصلحت را که مهم‌تر است، انتخاب کنند و در نهایت

بنابراین یگانه مرجع صلاحیت‌دار برای شناسایی حقوق واقعی انسان‌ها، کتاب آفرینش است و وضعیت حقوقی زن و مرد در مقابل یک‌دیگر، با مراجعه به آن روشن می‌شود.<sup>۸</sup> این نظریه‌ای است که ایده طبیعت را به حقوق زنان ربط می‌دهد. «حقوق طبیعی و فطری از آن‌جا پیدا شد که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آن‌ها در وجودشان نهفته است و یک «حق طبیعی» می‌باشد «طبیعی سند» سوق می‌دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک برای آن به‌شمار می‌آید.<sup>۹</sup>

مطهری می‌گوید: دستگاه خلقت، هر نوعی از انواع موجودات را بر پایه اصل عدل، در مداری مخصوص به خود قرار داده است؛ از این رو سعادت هر موجودی در آن است که در مدار طبیعی خود حرکت کند. دستگاه آفرینش در این کار خود هدف دارد و آن را از روی بی‌خبری انجام نمی‌دهد؛ از این رو حقوق خانواده باید مانند دیگر (حقوق طبیعی در طبیعت جست‌وجو شود. مطهری می‌گوید: «از استعدادهای طبیعی زن و مرد و انواع سندهایی که خلقت به دست آن‌ها سپرده است، می‌توانیم بفهمیم که آیا زن و مرد دارای حقوق و تکالیف مشابهی هستند یا

نه؟».<sup>۱۰</sup>

بنابراین، مطهری در مسائل زنان از مفهوم طبیعت در کاربرد عام آن استفاده می‌کند که هم شامل اصطلاح فطرت و هم طبیعت می‌شود و براساس آن به تفاوت طبیعی میان زن و مرد معتقد است که همین تفاوت، نقش‌ها و وظایف خاصی را برای هریک ایجاد می‌کند.<sup>۱۱</sup>

مطهری میان حقوق طبیعی مدنی و حقوق اکتسابی تفاوت قائل است. به عقیده او همه انسان‌ها از حقوق طبیعی مساوی و مشابهی برخوردار هستند؛ درحالی‌که در حقوق اکتسابی چنین وضعی دیده نمی‌شود. دلیل این امر آن است که انسان‌ها برخلاف حیوانات اجتماعی دیگر، طبعاً دارای سلسله مراتب اجتماعی نیستند و این به آن معناست که سازمان اجتماعی انسان طبیعی نیست؛ بلکه وظایف و نقش‌ها بر اساس عرف، رسم و قانون به وجود آمده‌اند.

حقوق خانواده مانند حقوق مدنی نیست که برای همه اعضای خانواده مشابه و همسان باشد. این امر بدان جهت است که بنابر حکم طبیعت هریک از پدر، مادر و فرزندان با استعدادهای مشابهی در زندگی خانوادگی شرکت نمی‌کنند. دست آفرینش آن‌ها را در وضع نامشابهی قرار داده

حقوق خانواده مانند حقوق مدنی نیست که برای همه اعضای خانواده مشابه و همسان باشد. این امر بدان جهت است که بنابر حکم طبیعت هریک از پدر، مادر و فرزندان با استعدادهای مشابهی در زندگی خانوادگی شرکت نمی‌کنند. دست آفرینش آن‌ها را در وضع نامشابهی قرار داده است و برای هریک نقش و وضع معینی در نظر گرفته است.

است و برای هر یک نقش و وضع معینی در نظر گرفته است.<sup>۱۲</sup> بنابراین برخلاف عقیده رایج جنبش‌های

زن به‌عنوان یک انسان، حتی از سوی خودش، نگرشی غیر اسلامی است و پوشیده نیست که این وضع چه پیامدهایی در عرصه واقعیت، از نظر تعریف صحیح نقش زن در زندگی و پذیرش حقوق وی به دنبال دارد.<sup>۱۵</sup>

بنابراین از نظر فضل‌الله مطالعه درست اندیشه اسلامی، نخستین وظیفه پژوهشی مسلمانان را تشکیل می‌دهد؛ اما این امر نخست مبتنی بر تصحیح روش مطالعه در باب زنان است؛ چراکه روش

نادرست فهم متون اسلامی در پیدایش وضعیت اسفبار کنونی بسیار مؤثر است. بر همین اساس، وی روش مطالعه خویش را بر فهم قرآن و سپس روایات امامان علیهم‌السلام استوار می‌کند. در اثر پیروی از این اندیشه، قرآن خطوط کلی نگرش اسلامی در باب زن را ارائه می‌دهد و روایات به تفصیل جزئیات آن‌ها می‌پردازد و از آن‌جا که بیان جزئیات کاملاً تحت تأثیر شرایط و اوضاع خاص می‌باشد، از لابه‌لای موضوعات مربوط به زن، به ماهیت مسئله مورد نظر نگریسته و سپس به احادیث مرتبط پرداخته می‌شود.

● فضل‌الله برخلاف مطهری، بیشتر دیدگاهی نص‌گرایانه به مسئله زن دارد؛ در حالی که مطهری می‌کوشد تا با تمسک به قانون طبیعت و فطرت که به نظری مطابق حکم اسلام نیز هست، به بررسی مسائل زنان بپردازد.

ایشان با اشاره به وضعیت اسفناک زنان در جوامع اسلامی، دو عامل را در پیدایش این وضع مؤثر می‌داند: اول، انحطاط جوامع اسلامی و سپس، تأثیر آن از جوامع پیرامونی.

داده است، هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می‌کند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می‌نماید و هم اجتماع را بهتر به جلو می‌برد.<sup>۱۴</sup>

### ● دوم: سید محمد حسین فضل‌الله

سید محمد حسین فضل‌الله، یکی از شخصیت‌های برجسته معاصر دیدگاه اجتهادگرا به‌شمار می‌آید، که حوزه مطالعات زنان را از دغدغه‌های اصلی خویش قرار داده است. او در این باره می‌گوید: «مسئله زن در سرلوحه تأملات فکری و اجتماعی من قرار



فضل الله برخلاف مطهری، بیشتر دیدگاهی نص گرایانه به مسئله زن دارد؛ در حالی که مطهری می‌کوشد تا با تمسک به قانون طبیعت و فطرت که به نظری مطابقت حکم اسلام نیز هست، به بررسی مسائل زنان بپردازد.

ایشان با اشاره به وضعیت اسفناک زنان در جوامع اسلامی، دو عامل را در پیدایش این وضع مؤثر می‌داند: اول، انحطاط جوامع اسلامی و سپس، تأثیر آن از جوامع پیرامونی. به عقیده او، این دو عامل موجب پیدایش وضعیتی شده است که بر اثر آن مسلمانان از اصالت شخصیت اسلامی خود در زندگی فردی و اجتماعی دور شده‌اند و جوامع پیرامونی نیز بر تحمیل این وضعیت بر آن‌ها مؤثر بوده‌اند؛ چنان که نگرش منفی آن جوامع نسبت به زن، به جوامع اسلامی هم منتقل شده است.<sup>۱۶</sup>

از این رو، تغییر نگرش جوامع اسلامی در موضوع زن ضروری است؛ زیرا نگرش گذشته که زن را در مقایسه با مرد، ناقص و ناتمام می‌دانست، به سوی نگرش نوین که به برابری انسانی میان مرد و زن باور دارد، متمایل شده است. این نگرش جدید که از قرآن و سنت به صورت بی‌طرفانه و آزاداندیشانه الهام می‌گیرد، به چرخشی مثبت درباره اعتراف به انسانیت زن و نقش وی در

زندگی انجامیده است.

فضل الله روش قرآنی خود را روشی التقاطی نمی‌داند؛ به گونه‌ای که با تأویل نص قرآنی و احادیث ائمه علیهم‌السلام، درصدد استنتاج نظریات فمینیستی معاصر باشد؛ بلکه روش خود را پیمودن حقایق اسلام بر اساس مضامین به دست آمده از نص قاطع قرآن و حدیث معصوم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند.<sup>۱۷</sup>

برابری در نظری وی، به معنای حفظ تنوع در خصوصیات انسانی با فرصت دادن به هر یک از زن و مرد در محدوده ویژگی‌های خود است. هر انسانی به حسب ویژگی‌های وجودی‌اش فرصتی دارد که می‌تواند در آن به صورت زنده و رشدیابنده خود را نشان دهد.<sup>۱۸</sup>

این سخن بدان معناست، که فمینیسم به معنای تساوی طلبی مطلق میان زن و مرد، مورد پذیرش اسلام نیست.

هم چنین فمینیسم به معنای برتری خواهی زن نسبت به مرد، آن گونه که در فمینیسم فلسفی مطرح می‌شود نیز با تعالیم اسلام ناسازگار است. ادعای برتری زن بر مرد، مانند دعوی برتری مرد بر زن است؛ زیرا هم مرد توانایی ترقی را به اندازه‌ای دارد که از زن برتر شود و هم زن از چنین توانی برخوردار است. از آن جا که زن در طول تاریخ از تجربه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دور نگاه

جنبش زنان در جهان معاصر، منشأ تأثیرات متفاوت مثبت و منفی است. این حرکت از آن جهت که عامل افزایش آگاهی، کسب مهارت‌ها و تجارب علمی و نوآوری‌هایی در علم و مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، مثبت می‌باشد؛ اما از این جهت که این جنبش زن را تبدیل به ابزاری برای خوش گذرانی مرد کرده و موجب شده است که به او نگاه شیء گونه شود، منفی می‌باشد.

در زندگی آن‌ها تأثیر دارد و به دنبال آن مقتضیات ویژه خود را نیز به همراه می‌آورد و موجب تفاوت در وظیفه اجتماعی و انسانی هر یک از مرد و زن می‌شود؛ اما این تفاوت خود نیز با استناد به یک منبع یا حقیقت واحد انسانی شکل می‌گیرد و در واقع تفاوت در وظیفه است؛ نه در سرشت. تفاوت در وظیفه، تنها به معنای تفاوت در نقش عملی هر یک از زن و مرد است و ارتباطی به مرتبه وجودی و اصل تکامل آن‌ها ندارد.

این نگرش کلی، بنیان روابط اجتماعی فراگیر میان مرد و زن در خانواده یا خارج از آن و روابط میان مردان و زنان با هم‌جنسان خود را پی می‌ریزد و مبنای آن برقراری موازنه و تعادل در منافع بر پایه تأمین منافع واقعی افراد به‌طور کلی است. این امر به معنای دقت در تقسیم وظایف و کارهاست. فضل‌الله تساوی زن و مرد در انسانیت و تفاوت در نقش‌های جنسیتی را عدالت می‌داند؛ زیرا عدالت به معنای دادن حق هر کس به اوست.

بنابراین خداوند به عنوان آفریدگار جهان، به هر انسانی بر حسب مأموریتی که از او انتظار دارد، ویژگی‌هایی داده است.

#### ● حقوق زن

یکی از مسائل جدی مورد توجه فمینیست‌ها مسئله «سرپرستی مرد بر زن» و نیز «خشونت علیه زنان» است.

داشته شده، در سطح پایین‌تری از مرد قرار گرفته است؛ ولی این امر به کاستی عناصر شخصیتی وی باز نمی‌گردد. بنابراین این ادعای نادرست است؛ زیرا که «زن به دلیل زندگی بخشی، برتر از مرد است» فمینیستی به همان اندازه که زن زندگی بخش است، مرد نیز در این اصل با وی شریک است و در مسئله تولید مثل با زن شراکت دارد.<sup>۱۹</sup>

فضل‌الله معتقد است: جنبش زنان در جهان معاصر، منشأ تأثیرات متفاوت مثبت و منفی است. این حرکت از آن جهت که عامل افزایش آگاهی، کسب مهارت‌ها و تجارب علمی و نوآوری‌هایی در علم و مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، مثبت می‌باشد؛ اما از این جهت که این جنبش زن را تبدیل به ابزاری برای خوش‌گذرانی مرد کرده و موجب شده است که به او نگاه شیء‌گونه شود، منفی می‌باشد. فضل‌الله نقش رسانه‌های گروهی را در پیدایش این امر مهم قلمداد می‌کند و معتقد است که رسانه‌ها می‌توانند با احترام

به انسانیت زن و مرد به صورت یک‌سان جامعه‌ای متوازن و سالم پدید آورند.<sup>۲۰</sup>

#### ● سرشت زن و مرد

از نظر فضل‌الله، مرد و زن یک سرشت انسانی بیشتر ندارند و تفاوت میان آن دو، صرفاً به ویژگی‌های جسمی آن‌ها مرتبط است؛ این ویژگی‌ها مانند هر چیز واقعی دیگری،

به عقیده فضل‌الله تعلیم و تربیت زن تنها به دانش‌هایی اختصاص نمی‌یابد که با نقش مادری وی ارتباط پیدا می‌کند؛ بلکه زن به‌عنوان انسان، نیازمند همه داده‌های علمی است. خداوند زن را در برابر خود مسئول قرار داده و این امر به نوبه خود نیازمند برخورداری از قدرت، آزادی اراده، فکر و عمل است.



برای جلوگیری از انحراف، باید ضوابطی ایجاد کرد؛ نه این که مانع تحصیل زن شد.

مسئله مهم دیگر از نگاه فضل الله در حقوق زن، موضوع اشتغال است. زن مسئول خویش و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند؛ همان گونه که مرد مسئول خود و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. زن و مرد در خارج از دایره همسری، مادری و پدری، زمینه‌های گسترده‌ای دارند که مانند دو انسان برابر در انسانیت می‌توانند برای ساختن زندگی، دوشادوش یکدیگر فعالیت کنند.<sup>۲۲</sup>

البته این سخن همواره مطرح بوده است که اسلام می‌خواهد زن در درجه اول خانه‌دار باشد؛ اما اسلام کار زن در خانه را، از لوازم عقد ازدواج نمی‌داند و انجام هیچ کاری را در خانه برای تأمین هزینه‌های خانواده یا مشارکت در آن لازم نمی‌داند. بنابراین، انجام کارهایی چون خانه‌داری و سرپرستی فرزندان بر وی واجب نیست؛ هرچند می‌تواند بهترین یاری و لطف زن به مرد محسوب شود. البته معنای سخن بالا آن نیست که زن نباید به هیچ کاری دست بزند؛ بلکه منظور آن است که اسلام از زن می‌خواهد کار خانه خویش را از جهت کمک و نیکی انجام دهد. اسلام از راه وادار نکردن زن به کار در خانه، فرصتی برای وی فراهم کرده تا در ساختن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نقش داشته باشد؛ از این رو، با کاستن از بار مسئولیت خانوادگی و حتی همسری زن، در عمل، نقش وی را در

فضل الله معتقد است که اسلام به موجب آیه ۳۴ سوره نساء، حق سرپرستی زن را به مرد اعطا کرده است و با توجه به آیه یادشده و نیز آیه ۲۲۸ سوره بقره، موارد سرپرستی مرد را به سازماندهی و مدیریت خانواده و حقوق ویژه همسری محدود کرده است و این مسئله به برتری جنس مرد بر زن ارتباطی ندارد؛ بلکه برخی از ویژگی‌های جسمی و روانی و نیز عهده‌داری تأمین هزینه‌های زن به وسیله مرد، موجب این حکم شده است. بر اساس این تعبیر، حدود حق سرپرستی مرد محدود به مواردی می‌شود که طبیعت قرارداد زناشویی اقتضا می‌کند. از این رو، نظر غالب این است که شوهر حق خانه‌نشین کردن زن را ندارد؛ مگر این که با حق بهره‌گیری جنسی شوهر ناسازگار باشد؛ اما فضل الله خود بیشتر اعتقاد دارد که در این صورت نیز مرد نمی‌تواند زن خود را منع کند.<sup>۲۱</sup>

زنان در عرصه‌های خصوصی، شخصی و عمومی از حقوقی برخوردارند که یکی از آن‌ها حق آموزش است. به عقیده فضل الله تعلیم و تربیت زن تنها به دانش‌هایی اختصاص نمی‌یابد که با نقش مادری وی ارتباط پیدا می‌کند؛ بلکه زن به عنوان انسان، نیازمند همه داده‌های علمی است. خداوند زن را در برابر خود مسئول قرار داده و این امر به نوبه خود نیازمند برخورداری از قدرت، آزادی اراده، فکر و عمل است. هم چنین نباید زن را از حق آموزش به دلیل اختلاط با مردان منع کرد؛ زیرا اختلاط جنسی به تنهایی مانع تحصیل زن نیست؛ بلکه

بر روی برتری یابد. فضل الله دلیل به حکومت نرسیدن زنان در کشورهای اسلامی را غیرقانونی بودن حکومت زن نمی‌داند؛ بلکه آن را به وجود برخی سنت‌ها و عادت‌های غلط حاکم بر جوامع اسلامی برمی‌گرداند؛ در حالی که مبانی

شرعی حکومت زن مورد کشمکش فقیهان است و نظر قاطعی در این باره وجود ندارد.<sup>۲۵</sup> فضل الله در مورد قضاوت زن نیز روایاتی همچون «زن نباید قضاوت را به عهده گیرد»<sup>۲۶</sup> را به علت ضعف سند مخدوش می‌داند؛ برخی ضعف سند این روایت را با طرح مسئله برابری شهادت دو زن با یک مرد و اقتضای آن برای حرمت قضاوت زن جبران می‌کنند؛ اما به عقیده فضل الله شهادت زن دلالتی بر حرام بودن قضاوت وی ندارد؛ زیرا از ویژگی‌ای که درباره آن سخن رفت، سرچشمه نمی‌گیرد. با دقت در مسئله قضاوت این امر منوط به علم و تقوا شده است و در صورت وجود این دو شرط، زن می‌تواند با رعایت برخی احتیاط‌ها، متصدی امر قضاوت شود.<sup>۲۷</sup>

فضل الله درباره مرجعیت زن نیز معتقد است که «تقلید» قاعده‌ای عقلایی است که نیاز به امضای شارع ندارد؛ از این رو، برای مرجعیت زن، منعی وجود ندارد. حتی روایاتی که فقیهان برای نفی اجتهاد زن بدان‌ها استناد می‌کنند، امکان اجتهاد زن را رد نمی‌کند؛ به عقیده فضل الله آنچه از روایات

ساختن زندگی پذیرفته است.

۲۳

در نتیجه، زن در اسلام حق کارکردن در همه زمینه‌های مشروع را دارد. تنها مورد ناسازگاری حق اشتغال زن، زمانی است که کار او با حق ویژه مرد تعارض پیدا کند.<sup>۲۴</sup>

در میان حقوق زن مسلمان، سه حق با ابعاد سیاسی همواره مورد چالش بوده است: فرمان‌روایی، قضاوت و مرجعیت دینی. فضل الله یادآوری می‌کند: قرآن با بیان ماجرای ملکه سبأ چهره مثبتی از فرمان‌روایی زن ارائه داده است که با اعتقاد به امکان ناپذیری حاکمیت و برداشت از روایاتی با این محتوا که «زن مردمی که زنی را به فرمان‌روایی برگزینند، روی رستگاری را نمی‌بینند.» سازگار نیست. او ریشه اعتقاد بالا را روایت بخاری می‌داند که در کتاب‌های امامیه وجود ندارد و برداشت از روایت اخیر را بر اساس روش قرآنی خود، با تصویر حکومت ملکه سبأ متفاوت می‌داند.

هم‌چنین به عقیده او این نظریه که زن به دلیل عدم کنترل احساسات و ضعیف بودن، شایستگی حکومت کردن را ندارد، مردود می‌باشد؛ زیرا ناتوانی مرتبط با انسانیت است که مرد و زن در آن به طور یک‌سان شریک هستند. زن می‌تواند بر ضعف خود چیره شود؛ چنان‌که گاهی نشان داده است که خردمندتر از مرد می‌باشد و می‌تواند در دانش

«تقلید» قاعده‌ای عقلایی است که نیاز به امضای شارع ندارد؛ از این رو، برای مرجعیت زن، منعی وجود ندارد. حتی روایاتی که فقیهان برای نفی اجتهاد زن بدان‌ها استناد می‌کنند، امکان اجتهاد زن را رد نمی‌کند

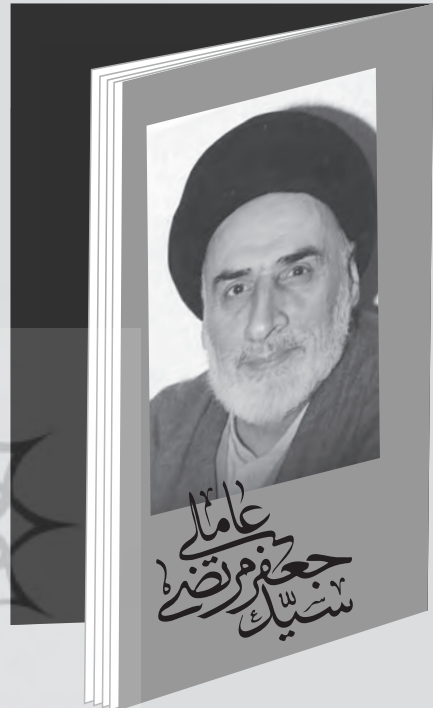
- به دست می آید این است که اگر کسی به درجه ای از دانش فقه برسد که برابر با مقام اجتهاد و استنباط باشد و اجتهاد وی نوعی مشارکت در فهم حکم شرعی تلقی شود و مورد اعتماد مردم باشد، مردم هم می توانند او را مرجع خود قرار دهند و در این، تفاوتی میان زن و مرد نیست.

### پی نوشت:

- \* دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.  
 ۱. ر.ک: مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۵-۳۰.  
 ۲. ر.ک: همان، ص ۳۲-۳۳.  
 ۳. همان، ص ۱۰۹-۱۱۰.  
 ۴. همان.  
 ۵. ر.ک: همان، ص ۱۱۰-۱۱۶.  
 ۶. ر.ک: همان، ص ۱۲۳-۱۱۷.  
 ۷. ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۱۶۳-۱۶۷.  
 ۸. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۷.  
 ۹. همان، ص ۱۵۸.  
 ۱۰. همان.  
 ۱۱. همان، ج ۱۹، ص ۵۲-۵۳ و ۹۲.  
 ۱۲. همان، ص ۱۶۲-۱۶۳.  
 ۱۳. همان، ص ۱۷۳-۱۷۴.  
 ۱۴. همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.  
 ۱۵. فضل الله، ۱۹۹۷، ص ۱۷.  
 ۱۶. فضل الله، همان، بی تا، ص ۱۷-۱۸ و ۳۴-۳۵.  
 ۱۷. فضل الله، همان، بی تا، ص ۱۳-۱۴.  
 ۱۸. فضل الله، ۱۹۹۷، همان، ص ۳۶-۳۷.  
 ۱۹. همان، ص ۴۹.  
 ۲۰. همان، ص ۵۵-۵۷.  
 ۲۱. ر.ک: همان، ص ۸۹-۹۳.  
 ۲۲. همان، بی تا، ص ۳۸-۳۹.  
 ۲۳. ر.ک: همان، ۱۹۹۷، ص ۵۹-۶۱.  
 ۲۴. همان، ص ۶۷.  
 ۲۵. ر.ک: همان، ص ۱۱۹-۱۲۲.  
 ۲۶. مجلسی، بی تا، ج ۱۰۰، ح ۱.  
 ۲۷. فضل الله، ۱۹۹۷، ص ۱۲۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

# پرونده



پژوهش و پژوهش‌گری در مکتب اجتهاد، دارای ویژگی‌هایی نظیر: شیوه، اخلاق، منش و ... می‌باشد، که امروزه چنانچه بایسته است از آن‌ها پاس نشده و در نظام پژوهشی فریضه نگردیده است. سوگمندانگفتنی است، که سیرت پیشینیان در شیوه‌ها و نهادهای پژوهش‌ارج نهاده نشده است و متأسفانه پژوهش‌گری نهادی حرفه‌ای درآمده و چه بسا، ابزاری برای معیشت و رتبه‌داری شده است. برای رسیدن به اهداف و چشم‌اندازهای بالندگی حوزه‌های علمیه، بایست محققان بزرگ و جامع‌الاطراف همچون علامه سیدجعفر مرتضی عاملی تربیت نمود، تا در قله قرار گیریم و شیوه، اخلاق، منش و روش پژوهیدن آن‌ها به منشور راهنمای مراکز پژوهشی و پژوهشیان قرارگیرد.

در این راستا، پرونده این شماره «مجله حوزه» را با همکاری پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم‌السلام به سامان رساندیم، تا بتوانیم برای شناساندن تلاش‌های آن بزرگ پژوهش‌گردنیای اسلام و تشیع گامی هرچند اندک برداریم.